

نقدی بر مواضع اپورتونیستی سازمان انقلابی

بخش دهم

سازمان انقلابی در بخش نهم اراجیف نامه اش تحت عنوان "دنکیشوتهای مائوئیست..." باز هم به مسخره گی و نیشخندی پناه می برد و در صد داین است تا برای جنبش انقلابی "م-ل-م" افغانستان مخرج مشترک من در آوردی بتراشد. واقعیت این است که جنبش انقلابی "م-ل-م" افغانستان با وجود ضربات پیهم امپریالیزم و ارتجاع، خیانت و تسلیم طلبی عده ای از فروما یگان در مجموع ضدارتجاع و امپریالیزم بوده و در افشای مشی باندهای رویزیونیستی خروشی خلق و پرچم و سه جهانی سازمان رهائی - سازمان انقلابی و ساما-ادامه دهندگان نقش عمده را ایفا نموده اند.

فحاشی و لچکی سازمان انقلابی

سازمان انقلابی که در بحثهای ایدئولوژیکی پایش میلنگد و نمیتواند از مشی رویزیونیستی و اپورتونیستی اش دفاع کند، به شگردهای متفاوت پناه میبرد. گاهی به دروغ گوئی می پردازد، گاهی به جعل کاری متوسل میشود و گاهی به فحاشی، طنز گوئی و دوو دشنام می پردازد. سازمان انقلابی که در جعل کاری و دروغ گوئی ریکار دقایم کرده است، در بخش دهم اراجیف نامه اش مینویسد: "مائوئیست ها که تا چندی قبل از خواندن اعلامیه های مالدت می بردند یکباره... با کینه تیزی اتهاماتی را در مورد ما قاطار نمودند. دشمنان مارکسیزم - رویونیست - بی شرم - وضعیت مضحک داشتن - دانشمندان دارای اغراض بورژوازی - این سازمان در حالیکه حتی از نظر سواد سیاسی و معلومات در حدی نیست که سازمان به مفهوم یک تشکل واقعاتبقاتی (ولی بورژوازی) باشد - جسارت های خنده آور - سبک ساختن تشکل های انقلابی - قلمفرسائی بیهوده - تربیه دیده های دبستان انجوائی سازمان رهائی و سپس آموزشگاه "انجوسازی" - یک مشت بیهوده گوئی - بیسوادری رقت انگیز خود را گزارش دادن - مشکل بیسوادری سیاسی... الخ" خوانندگان عزیز خوب دقت کنید. سازمان انقلابی در بالا اعدادار که "م-ل-م" اتهاماتی را در مورد ما قاطار نمودند" حال ببینید که به تعقیب ادعای باصطلاح اتهامات چه مینویسند: "ولی بعد از آنکه آرنولدهای مائوئیست مورد انتقاد قرار گرفتند، یکبار فیگور گرفتند و چهار چوب برخوردارند و متمدنانه را شکستند و سر را به فحاشی و لچکی ای (کدام فحاشی و لچکی -؟! سوال از ماست) که از ضعف منطق و فقر برهان بر میخیزد کشاند. آنان هر چه دشنام در چنته اخلاق مائوئیستی داشتند، نثار ما کردند و ثابت ساختند که نه نجیب هستند و نه متمدن و لچکهای هستند که ضعف منطق و فقر برهان به آنان اجازه نمیدهد تا انتقادات ما را در پاسخ بگویند و ناگزیر دهان شان را با فحش آلوده می سازند:" ببینید این دروغ گوئی و فرومایگی سازمان انقلابی را که در اول از اتهامات سخن میزند و بعد با لاطانات من در آوردی

و ذهن بیمارگونه باصطلاح اتهامات وارده را لچکی و دو دشنام توجیه میکند. خوانندگان عزیز در نوشته های بالا که سازمان انقلابی از "م-ل-م" هانقل و قول نموده است. در کجای این نوشته ها اتهامات، فحاشی، لچکی و دو دشنام وجود دارد که سازمان انقلابی از آن نقل قول نموده است. دروغگویی هم حد و اندازه دارد. دروغگویی سازمان انقلابی به دروغگویی آن اخوانی های شیاد میماند که کمونیزم را چنین تفسیر میکنند که "کمو" یعنی خدا و "نیست" یعنی نیست. اگر اخوانی ها به دروغگویی و جعل کاری پناه میبرند. نمایندگی از ارتجاعی بودن آنها میکند که با دروغگویی و جعل کاری میخوانند مردم را فریب دهند و چند روزی به عمر ننگین شان بیفزایند. اما وقتی سازمان انقلابی به دروغ گوئی و جعل کاری میپردازد در روزی نیست بودنش را نشان میدهد. در این مورد کمی بیشتر توضیح میدهم. وقتی ما نوشته کرده ایم که سازمان انقلابی یک سازمان رویزیونیستی و اپور تونیستی است برای اثبات گفتار خویش اسناد و دلایل و دلایل ارائه نموده و آن ها را بیشتر گفته ایم، شما میتوانید در همین نوشته های آنها مشاهده کنید که چطور انتقادات و نقداصولی مارا لچکی و دشنام جلوه میدهند و خجالت هم نمیکشند و بر خورد ما را نا نجیبانه و غیر متمدنانه میخوانند. اگر قبول کنیم که به گفته سازمان انقلابی این سخنان ما فحاشی و لچکی است باید سازمان انقلابی که ما را نقد میکند دست به فحاشی و لچکی نمیزد و به گفته خودش بر خورد نجیبانه و متمدنانه مینمود. اما دیگر خوانندگان از آنها می آموختیم بیائید به یک پاراگراف نوشته باصطلاح "متمدنانه" و "نجیبانه" حضرات سازمان انقلابی که به آن می لافند، مراجعه نمائیم که چه مینویسند: "شرف باخته های بی وجدان سیاسی و بز دل های فراری شما که با دیدن دشمنان خلق تنبان های تان دچار پرابلم شده آنها را دور گردن تان حلقه زده و نزد این کنسول و آن کنسول غربی بردید و تملق و چاپلوسی کردید و بالاخره فرار را بر قرار ترجیح دادید" خوانندگان عزیز به این نوشته سازمان انقلابی توجه کنید که در کجای این نوشته شان بر خورد متمدنانه و نجیبانه وجود دارد؟ آیا این بر خوردشان نجیبانه و متمدنانه است؟ یا بر خورد لمپنانه، فحاش گونه و لچکانه به سوی کیسه بران و چهار تک های سرچوک؟ خوانندگان عزیز میتوانند این نوشته سازمان انقلابی را بنوشته "م-ل-م" ها که سازمان انقلابی از آن هانقل قول نموده است، مقایسه نمایند و ببینند که کدام این نوشته ها لمپنانه، فحش گونه و لچکانه است و کدامش نجیبانه و متمدنانه. این دروغ های شاخدار سازمان انقلابی به دروغهای شاخدار سید حسین موسوی (خالق دادپغمانی، جاوید، آزاد ل، احمد برومند، محک باستانی) میماند که ادعا نموده بود که گویا رفیق "پولاد" به آن ها دو صد و سه صد و دو دشنام داده است. ولی از آن زمان تا حال که بیش از یک سال میگذرد نتوانسته اند حتی نصف و ربع آن اتهامات خویش را اثبات نمایند. گذشته از این اگر باز هم این سخنان سازمان انقلابی را جدی بگیریم، آیا این نوشته سازمان انقلابی در مورد افراد سازمان رهائی - حال سازمان انقلابی، افراد ساما، حال سامای ادامه دهندگان - افراد ساوو، حال مداح سازمان انقلابی و وکیلان مدافع سازمان انقلابی موسوی، کبیر توخی و میرویس نادان محمودی هم صدق میکند آیا تنبان های آنها هم دچار پرابلم شده بود و آنها هم نزد این کنسول و آن کنسول غربی تملق و چاپلوسی کرده اند و بالاخره فرار را بر قرار ترجیح داده اند یا خیر؟! و آیا آنها هنگام رفتن به نزد کنسولها ی غربی تنبان های ساتن و اطلس می پوشیدند و عطر و پودر میزدند و با نخره و ناز و ویژه می گرفتند و فرار می، بلکه باویزه های مخصوص و پرواز های ویژه مانند سامائیهها و اعضای سازمان رهائی به چین، امریکا، کانادا و اروپا سیر و سفر میکردند و با مقامات عالی رتبه آن دولت ها به بستر می رفتند. این است اوج وجدان باختگی سازمان انقلابی که

در مورد دیگران عینک ذره بین به کار میبرد و در مورد خودشان خود را به کوری و کوری می اندازد و خجالت هم نمی کشد.

لاف و پتاق سازمان انقلابی

سازمان انقلابی در جای دیگر مینویسد: "ما چنانچه در بخش نخست نوشتیم نه خود را فیلسوف میدانیم و نه هم نابغه ... ولی باید بگوئیم که در حدی از سواد سیاسی قرار داریم که داوطلبانه راه مبارزه را در پیش گرفته ایم. و از آموزگار مامانوتسه دون آموخته ایم که چگونه هر روز به مطالعه می پردازد ولی باز هم احساس رضایت نمیکند ... و همین طور از رهبر بزرگ پرولتاریا کارل مارکس می آموزیم" در این مورد باید برای سازمان انقلابی یادآور شویم که کاش شما به صورت درست از رفیق ما توتسه دون و کارل مارکس می آموختید. رویزیونیستهای خروشی و سه جهانی هم اعدادار ندکه "از مارکس و مائوتسه دون آموخته اند"، ولی گفتار آنها با اعمال شان مغایرت دارد و خائنین به طبقه کارگر و جنبش بین المللی کمونیستی هستند. اگر راستی شما به صورت درست از مارکس، لنین و مائوتسه دون می آموختید حداقل تا حال به وکیلان مدافع تان آدم گری و انسانیت رایدمیدادید و برایشان توصیه میکردید که "رفقا" دست از فحاشی و لچکی بردارید فحاشی و لچکی کار مارکسیست - لیننیست ها و مائوتسه دون اندیشه هانیست بشمانه تنها آنها را اصلاح نکردید بلکه بوجی بوجی فحش و دشنام و فضولی برای آنها یاد میدید و خود را در عقب فحش و دشنام آنها مخفی می سازید. چطور میشود به شما اعتماد کرد که شما راست میگوئید. گذشته از فحاشی و لچکی شما و وکیلان مدافع تان مرتکب خیانت بزرگ دیگری نیز شده اید و آن این است که از طریق سایت استخباراتی "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" جاسوسی نموده و شهرت عده ای از انقلابیون را افشاء نموده اید و تا زنده هستید این داغ جاسوسی و ننگ خیانت شما به جنبش انقلابی افغانستان در جبین شما و مدافعین فحاش و جاسوس تان موسوی، کبیرتوخی و میرویس نادان محمودی چون لکه ای ننگی تا ابد باقی خواهد ماند. تاریخ جنبش انقلابی افغانستان و نسل های بعدی این خیانت و جاسوسی شمارا مانند پس منظر نویسان خائن هیچ گاه فراموش نخواهند کرد. سازمان انقلابی که به نقش توده های ملیونی باورمند نیست و در صدد قهرمان بازی و قهرمان پرستی است، به دفاع از ژاندارک، ژنرال جیاپ و ... برآمده و برای آن هابه حیث قهرمانان خلق تبلیغ میکند و چنین می نویسد "چرا نباید ژاندارک را که بوسیله استعمار انگلیس در آتش سوخت قهرمان مبارزه علیه انگلیس خواند". اگر به این گفتار پوچ سازمان انقلابی باور کنیم پس صدام حسین و معمر القذافی هم که به دست استعمارگران امپریالیزم امریکا کشته شدند، در جمله قهرمانان خلق به شمار میروند و از ژاندارک کرده مترقی تر هم بودند. سازمان انقلابی تا هنوز فرق بین خلق و ضد خلق را درک نکرده است. زمانیکه کمونیست ها از خلق صحبت میکنند. بر این نکته نیز تأکید میکنند که طبقات استثمارشونده بدون رهبری و هژمونی طبقه کارگر هیچ گاه به آزادی واقعی دست نیافته و از شر استعمارگران رهائی نمی یابند. به تعقیب آن در جای دیگر مینویسد: "اگر بررسی دیالکتیک تاریخ را به فراموشی بسپاریم و بررسی های خود را بر بنیاد ماتریالیزم تاریخی به پیش ببریم به هیچ صورت حق نداریم از اسپار تا کوس نیز به دفاع برخیزیم زیرا او نماینده طبقه برده ها بودند و پرولتاریا نماینده طبقه به شدت ارتجاعی

نسبت به پرولتاریا". در این پاراگراف سازمان انقلابی بار دیگر در جهالت غوطه ور میشود. کسیکه الفبای مبارزه را بلد باشد و گامی در راه مبارزات کمونیستی گذاشته باشد. پنج دوره تاریخی را میدانند و از قیام بردگان و اسپارکوس دفاع میکنند. قیام بردگان جزئی از تاریخ مبارزه طبقاتی است که بر ضد سیستم برده داری به پا خاستند اما ژاندارک جزء کدام طبقه بود و برای چه قسم جامعه ای مبارزه میکرد که او را در جمله قهرمانان خلق حساب کنیم. سازمان انقلابی "طبقه ای برده دارانماینده طبقه به شدت ارتجاعی نسبت به پرولتاریا" قلمداد میکنند در حالی که برده ها طبقات استثمارشونده بودند نه طبقه ای ارتجاعی. برخلاف برده داران طبقه ای به شدت ارتجاعی بودند که به استثمار شدید برده داران می پرداختند. از طرف دیگر زمانیکه سازمان انقلابی مینویسد که "و نماینده طبقه برده ها بود نه پرولتاریا نماینده طبقه به شدت ارتجاعی نسبت به پرولتاریا" از این مقایسه نا بخردانه سازمان انقلابی چنین استنباط میشود که طبقه برده ها نسبت به طبقه پرولتاریا ارتجاعی است یعنی طبقه پرولتاریا هم ارتجاعی است و برده ها ارتجاعی تر از آن است. این است درک سازمان انقلابی از واژه مترقی و ارتجاعی. در جای دیگر مینویسد: "این تنها تروتسکسیت ها هستند که به بهانه های گوناگون تنها مبارزه علیه استثمار آن هم به سطح جهانی صحبت میکنند باری شبه تروتسکسیت های وطنی به همین منظور بر سازمان انقلابی تاختند و شعار مبنی بر مبارزه برای استقلال و وظیفه مبرم چپ انقلابی است" را به سخره گرفتند. اکنون ما نئویست ها قدم به قدم آنان گذاشته و فقط از قهرمان استثمارشوندگان و غیر استثمارشوندگان صحبت میکنند که خودنی مبارزه استقلال طلبانه و تبلیغ انقیاد طلبی است " سازمان انقلابی باید کمی شرم بکشد و بعد تروتسکسیت ها را مثال بدهد. زیرا به گفته سازمان انقلابی " شبه تروتسکسیت های وطنی " رفقای هم پیک سازمان انقلابی هستند و همه در کنار هم درکنگره دوم سازمان انقلابی رژه رفتند و به حیث چپ منحرف نامنویسی کردند. سازمان انقلابی بدون آنکه شرم بکشد اما در کنار شبه تروتسکسیت ها قرار میدهد. اول اینکه شبه تروتسکسیت ها هیچگاهی علیه استثمار مبارزه نمی کنند. چه رسد به آنکه مبارزه آنها به سطح جهانی باشد وقتی تروتسکی رهبران ها بر ضد حزب کمونیست شوروی برخاست و به نفع بورژوازی وارد عمل شد از شاگردان آن چه باید توقع داشت بر همه معلوم است که شبه تروتسکسیت های وطنی در کنار امپریالیست های اشغالگر قرار گرفته و در دولت دست نشانده کرزی صاحب جاه و جلال اند و مبارزه علنی و قانونی میکنند. این مرتدان سازمان انقلابی است که جعل کاری میکنند و از مبارزه جهانی آنها بر ضد استثمارگران "زبان درازی میکنند. سازمان انقلابی در جای دیگر باز هم عنان گسیخته به سخره گی پناه می برد و مینویسد: " پس به اساس حکم تان باید به اسپارکوس فریاد بز نیم حیف زندگی و مبارزه ات چر منتظر نماندی تا ما نئویست های شورشی پس از تناول یک پیزای فامیلی و پرتاب یک آروغ مائوئیستی حزب کمونیست واقعی را ایجاد میکردند و بعد می آمدی زیر بیرق این شورشی ها به نبرد خلق آغاز میکردی. تا امروز جهان بدون استثمارگر و استثمارشونده می داشتیم " ببینید این جملات تو خالی سازمان انقلابی را که نه علمی است و نه مارکسیستی و نه کدام مفهوم و معنایی دارد. سازمان انقلابی میخواهد با این سخره گی و نیشخندی نوشته های "م- ل- م" هارا بی اهمیت جلوه دهد. باید به اینها یادآور شویم که به گوش اسپارکوس فریاد نرنید و روح آن سلحشور را نا آرام نسازید، زیرا اسپارکوس مرد عمل بود و از تسلیم طلبی نفرت داشت وقتی او بشنود که سازمانی در گوش آن فریاد میزند که رهبرش داد نورانی فقید در تلویزیونهای به ظاهر ملی ولی امپریالیستی، دموکراسی انقیادی، اشغالگری امریکائی را تبلیغ می کرد و در نشریاتش بااراکین

دولت دست نشانده کرزی مصاحبه میکرد. روح آن ناآرام میشود و هزار لعنت برایتان میفرستد. دوم اینکه حضرات سازمان انقلابی همیشه از "پیزا و آروغ پیزائی" می سرایند. به گمانم آنها یاز یازاد "پیزا میخورند و آروغ پیزائی میزنند" و یاکدام رستوران پیزا فروشی دارند و میخواهند از این راه تبلیغ نمایند. بهتر است سازمان انقلابی نام خویش را به سازمان پیزائی افغانستان "تبدیل و خود را خوب تر معرفی نمایند. میگویند در یکی از مکاتب معلمی بوده بنام سناغز نوی. سناغز نوی روزی با طمطراق در صنف می آید و در مورد شعر چنین درفشانی میکند که من برای اولین بار در شعر نو آوری و کلمه "لبسین" را در شعر استعمال کرده ام. حال سازمان انقلابی هم برای اولین بار در "م-ل-ا" نوآوری نموده و کلمه "پیزا" و "آروغ پیزائی" را چندین بار در نوشته هایش به کار برده است. گذشته از این سازمان انقلابی آن قدر در لجنزار فرومایگی و ابتذال فرورفته است که مائوئیسم را که مرحله ای تکاملی "م-ل-ا" است به مسخره گی میگیرد و به آن برخورد لچکانه میکند "به این دلچک های سیاسی همینقدر باید متذکر شوم که لعنت به شمالوده های سیاسی که بالین نوشته های مسخره آمیز خویش آبروی چپ انقلابی را بر باد دادید کاش شما با این مسخره گی و لوده گی دلچک های سیرک میشدید. حضرات سازمان انقلابی باید خاطر جمع باشند تازمانیکه آنها به چرنیای و مسخره گی پناه میبرند. مابه زبان خودشان و مطابق سویه و اخلاق شان آنها را مورد نقد انقلابی قرار میدهم و اگر ده هافحاش، لچک و بد زبان دیگر را مثل موسوی، کبیر توحی و میرویس محمودی استخدام نمایند. مابه نقد شان ادامه خواهیم داد. بیائید به نوشته میرویس نادان محمودی یکی از وکیلان مدافع سازمان انقلابی که جاسوسی کمونیست هارا از طریق سایت جاسوسی آزاد افغانستان - افغانستان آزاد انجام میدهد و هویت آنها را افشاء مینماید به فیس بوک حزب همبستگی مراجعه نمائیم که چطور به مداحی یکی از سناتوران دولت دست نشانده کرزی می پردازد و همکاری و وابستگی خود را به آن حزب به نمایش قرار میدهد.

Mirvais Wadan Mahmoudi

بلقیس «روشن» هموشیربی باک حقایق را افشاء نمود!

بلقیس «روشن» طی مصاحبه ای در سنجیه «شو» حقایق تلخی را افشاء ساخت که قلب هر انسان باصالت و بامسئولیت را بدر میآورد و به طیش میاندازد! وی در ادامه سخنانش و افشاگریهای جنایات ارتجاع داخلی و 46 کشور متجاوز فرمود که انتخابات در زیر سایه تجاوز و با موجودیت ارتجاع جنگسالار و مجرم جنگی داخلی ناممکن میباشد و به نفع ارتجاع حاکم بر سر نوشت توده خواهد انجامید. وی از مردم خواست دست بدست هم داده و برای آزادی ملی مبارزه کنند زیرا آزادی تحفه نیست باید برایش رزمید. وی گفت که باید خود افغانها بر سر نوشت خودشان رقم زنند و حاکم شوند زیرا استعمار برای این نیامده است که افغانستان را آباد کند و مردم را از فلاکت نجات دهند؛ آنها با خطر منافع استعماری شان منطقه فوق العاده استراتژییک افغانستان را برای دستیابی به ثروتهای منطقه همچنان کنترل روسیه-چین-هندوایران انتخاب کرده اند نه آبادی و تعالی افغانستان! وی پیمان استراتژییک بین امریکا و افغانستان را تلاشهای مذبوحانه و ناکارآمد خواند و یک مثال خیلی منطقی ارائه داد که اگر چنین پیمانی کارآمد داشت چرا ایالات متحده احساس مسئولیت نکرده و از خاک افغانستان

درمقابل تهاجمات و راکت پرنیهای عریان پاکستان درکنر ها-پکتیا-ننگرهار-نورستان و راکت پرنیهای ایران درفراه-نیمروزو غور ات کوچکترین توجه ای نکرده و دفاع نمیکند؟

وی طالبان را نوکران «سیا» و «آی اس آی» خواندوگفت که طالبان بخاطر منافع استعماروارتجاع تشکیل شده است و تا همین حالا ایالات متحده بخاطر منافع استعماری اش از طالبان حمایت مالی و تسلیحاتی میکند!وی بالای شورای نظار و حزب وحدت حمله کرد و آنها را دشمنان افغان و افغانستان دانست و گفت چرخش 180 درجه ای آنها و دید و باز دید های مخفی و علنی شان با مقامات بلند پایه پاکستان از نیات پلید شان نمایندگی میکند زیرا این نیرو های ضد ملی بخاطر رسیدن بقدرت بهر نوع ردالت و وطنفروشی دست میزنند!وی در مورد زن ستیزی جهادیهها بمثابه برادران دو قلموی طالبان یاد نموده و گفت که حقوق زن ننتها در قلمرو حاکمیت طالبان زیر پا میشود بلکه در قلمرو جهادیهها بد تر از طالبان در مقابل مقام ارزشمند و حقوق انسانی زن عمل میکند و.....!

دردو هزاران درودبرشیر دخترافغان زمین بلقیس «روشن»!

"میرویس ودان محمودی"

خوانندگان عزیز ببینید که میرویس نادان محمودی چطور از خانم بلقیس روشن یکی از سناتوران دولت دست نشانده کرزی تعریف و توصیف مینماید. "بلقیس روشن هموشیری باک حقایق را افشاء نمود"!.

دوستان سفاهت و فرومایگی هم حدو اندازه دارد. درشرایطی که کشورمادراشغال ۴۶ کشورمتجاوزبه سر میبردوتمام شرانین دولت دست نشانده کرزی ازپولیس مخفی تارنش ودستگاه تامین امنیت وارگانههای قضائی همه دراختیارتنظیم های اسلامی جهادی-خلفی پرچمی قراردارند.بلقیس روشن عضو "مشرانو جرگه" ارگانی که وطن فروشی و اشغال افغانستان را مهر تأیید میکوبدوآزاشکل قانونی میدهد. ازطریق تلویزیونهای امپریالیستی و رادیوآزادی انقلاب میکندوبه افشای قوای اشغالگرمیپرداز دوامنیت آنرا رژیم دست نشانده کرزی و قوای اشغالگرمیگیرد. وجاهل وکودنی به نام میرویس نادان محمودی آن را شیر زن خطاب میکند. بلقیس روشن وملالی جويا شیرزن نیستندبلکه تسلیم طلبانی هستندکه مشی انقلابی را ترک کرده وراه مبارزه قانونی وعلنی را اختیار نموده اندوبه منجلا ب اپورتونیزم وروزیونیزم فرورفته اند. این نوشته میرویس محمودی یکباردیگروابستگی وارتباط میرویس نادان محمودی رابه دولت دست نشانده کرزی برملا میسازد. هیچ جای تعجب نیست وقتی دادنورانی فقید رهبر سازمان انقلابی به تعریف و توصیف وزارت اطلاعات وفرهنگ دولت دست نشانده کرزی می پردازدبایدوکیل مدافع سازمان انقلابی میرویس نادان محمودی به تعریف و توصیف بلقیس روشن یکی از سناتوران دولت دست نشانده کرزی پردازدوبدینوسیله جاسوسی وخوش خدمتی خویش رابه ارتجاع وامپریالیزم اثبات برساند.

میرویس محمودی درجفنگ نامه اخیرش متذکرشده است که من نوشته هایم رادرسایت همبستگی نی بلکه درفیس بوک همبستگی به نشرمیرسانم.چه فرقی بین سایت حزب همبستگی وفیس بوک حزب همبستگی وجوددارد؟ گویندشخصی رابه جرم دزدی متهم نمودند ،گفت من دزدی نکرده ام وکیسه بری کرده ام.چه فرقی بین دزدی وکیسه بری وجود دارد؟ واعتراف میرویس محمودی مشابه به اعتراف آن کیسه بر است ومیگویدکه

من نوشته های خود را در سایت حزب همبستگی به نشر رسانده ام بلکه در فیس بوک حزب همبستگی به نشر رسانده ام زهی بی شرمی و تهی مغزی.

پایان بخش دهم

یکی از هواداران جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید)

۱۸ عقرب ۱۳۹۲